



همنشینی فلسفه و فقه سیاسی

گفت‌وگو با: سیدصادق حقیقت

ضمیمه اعتماد، ش ۱۸۲۴، ۱۳۸۷/۸/۲۹



نظریه همروی ناظر به دیدگاه بدیهی است که با برگرفتن خصایص مثبت فلسفه و گرایشات عقلی و همچنین گزینش خصیصه‌های نیکوی فقه، و نقد همزمان این دو دانش، راه سومی را فراراه اندیشه سیاسی معاصر می‌گذارد. در علوم انسانی، همروی به تلاقی و تعامل هر دو موضوع تعریف می‌شود. نظریه همروی نقطه تأکید خود را بر تعامل ادله عقلی (فرامتنی) با ادله قرآنی - روایی (متنی) قرار می‌دهد. نظریه همروی، در صدد تبیین ارتباط تعاملی ادله متنی و فرامتنی است. مقصود از متن، متن دینی و مقصود از فرامتنی کلیه دلایلی است که قبل از مراجعه به متن مورد استناد قرار می‌گیرند و باید قبل از رجوع به متن، تأثیر ادله فرامتنی مورد بحث قرار گیرد. گرایش متنی مستقیماً سراغ قرآن و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام می‌رود. متنی‌ها از این نقطه قوت برخوردارند که به هر صورت وارد اصل متن شده، مراد شارع مقدس را از بین این درمی‌یابند و این فقیه است که باید از علم رجال و درایه در این راستا استفاده کند تا مراد شارع مقدس را در یابد. جنبه مثبت رویکرد متنی این است که راه مراجعه به متون دینی را باز می‌گذارد و فقه را حتی در حوزه اجتماعی حجت می‌داند. یکی از جهات مثبت رویکرد فرامتنی این است که به براهین عقلی و ماقبل دینی توجه می‌کند. همچنین باید توجه داشت، این رویکرد به حسن و قبح عقلی توجه می‌کند. وجه مثبت سوم این رویکرد، این است که بستر لازم برای فهم متون دینی را تمجید می‌کند. همه حداکثری‌ها به اسلامی سازی علوم اعتقاد دارند. اکثر حداقلی‌ها معتقدند، مسائل سیاسی و اجتماعی از ابتدا جزء دین نبوده که اینک بخواهد از آن جدا شود. براین اساس، اگر در متون دینی هم به مسائل اجتماعی پرداخته شده، فقط از باب اشاره به مسائل انسانی بوده، نه از باب امری قدسی و الهی. از طرفی، نقطه ضعف حداقلی‌ها آن است که خود را از ادله متنی در

امور اجتماعی و از فقه سیاسی بی‌نیاز می‌دانند. در نظریه همرویی راه رجوع به ادله درون دینی باز است، خواه دین به مسأله مورد نظر به شکل وسیع پردازد، یا راهبردهای کلی ارائه کرده، بقیه امور را به عقل بشری واگذار کرده باشد. فقه سیاسی از دیدگاه نظریه همرویی اعتبار ارزشی دارد. دانشی که در حوزه مسائل سیاسی حجیت می‌یابد، فقه سیاسی است. براساس نظریه همرویی، اگر فقه (سیاسی) تعدیل شود، دلیلی برای عدم ورود به حیطة ادله درون متنی در مسائل سیاسی و اجتماعی وجود نخواهد داشت. فقه برخی حوزه‌ها را به عقل بشری واگذار کرده که از آن به منطقه الفراغ تعبیر می‌شود و در برخی حوزه‌ها نیز احکام کلی دارد که صرفاً راهکارها و سیاست‌های کلی شرع در آن زمینه‌ها را مشخص می‌کند و عقل در نظریه همرویی و الاثر از جایگاه آن در نظریه‌های رایج است. عقلی که نزد شارع مقدس حجت است، همین عقلی است که بین همگان مشترک است و انسان‌ها بدون توجه به تعقلاتشان به آن رأی می‌دهند. ارکان نظریه همرویی از این قرار است:

۱. توجه به براهین عقلی؛ ۲. بسترسازی ادله عقلی و پیش‌فرض‌ها برای فهم دین؛ ۳. عقل مستقل به معنای عقل مشترک میان همه انسان‌ها؛ ۴. توجه به روش‌شناسی‌های مدرن مثل هرمنوتیک و گفتمان؛ ۵. اعتبار فی الجمله (نسبی) فقه سیاسی؛ ۶. توجه به تجربه و علوم انسانی جدید.

عقل و نقل، تنها در موارد ضروری و فوری دولت اسلامی را مکلف می‌کنند که مسؤلیت‌های فراملی (تکالیفی که دولت ایدئولوژیک در خارج از مرزهای خودش تعریف می‌کند) را بر منافع ملی مقدم دارد و در بقیه موارد به حکم عقل، باید همانند دیگر کشورها منافع ملی را مدنظر قرار داد. در نظریه همرویی، شاهد تعامل ادله متنی و فرامتنی در دو موضوع توزیع قدرت و حقوق بشر هستیم. عقل مستقل حکم می‌کند، قدرت نمی‌تواند به شکل بی‌مهار در دست کسی قرار گیرد. حداقلی‌ها تکلیف حقوق بشر را فقط در ادله فرامتنی تعیین می‌کنند، همان‌گونه که حداکثری‌ها به ادله متنی در این بحث اکتفا کرده‌اند.

مژده شمس: محمدباقر محمدی‌منور

گفتمان سنت‌گرایی در بوته نقد

علی اکبر صادقی رشاد

همشهری، ش ۴۶۸۸، ۱۳۸۷/۸/۱۲

بازتاب اندیشه ۱۰۲

۸۵

گزارش‌ها

آقای صادقی رشاد در این گفت‌وگو به بررسی و تحلیل شرایط تاریخی ظهور سنت‌گرایی در غرب و شرق اشاره دارد و معتقد است که گفتمان «سنت‌گرایی» از جمله گفتمان‌های معنویت‌خواهی است که امروزه در جهان، طرفدارانی را در میان پیروان ادیان مختلف یافته است. گر چه خاستگاه این گفتمان را باید در چالش‌های مدرنیته جست و جو کرد، با این حال، در ایران معاصر نیز این گفتمان به ویژه در یکی دو دهه اخیر به طور گسترده مطرح شده است و در